سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۰۵۰ ■ شنبه ■ ۲۱ آبان ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۴۸ | اذان مغرب ۱۷/۱۹ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۶ | اذان صبح فردا ۵/۱۲ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۸

سخن روز

امام سجاد علیه‌السلام:
منتظران ظهور امام مهدی (عج) برترین اهل هر زمان‌اند.
بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲

قصه‌های مجید، قصه‌ای همچنان موفق

جهانبخش سلطانی: اگر قصه‌های مجید موفق بود دلیلش آن است که نویسنده آن هوشنگ مرادی کرمانی است. مرادی کرمانی آدمی است که از جامعه‌اش شناخت دارد و نیاز جامعه را از نسل نوجوان می‌شناسد و بر اساس این نیاز می‌نویسد. به همین دلیل مجید که بازی می‌کرد همه نوجوانان به نوعی خودشان را در او و زندگی‌اش می‌دیدند. این را هم بگویم که برای هنرمند هر کاری که انجام می‌دهد مانند خانواده است که همه‌شان را دوست دارد. البته قصه‌های مجید و سرنخ را بسیار دوست داشتم و در قصه‌های مجید چند شخصیت متفاوت را بازی کردم که همه آنها موفق بودند و نقش‌هایی هم بود که نشد بازی کنم؛ مثلاً یادم می‌آید زمان بازی در فیلم سینمایی «افق» به کارگردانی رسول ملاقلی‌پور با هم بحثمان شد و فیلم بعدی‌اش را که قرار بود من بازی کنم به جمشید هاشم‌پور داد و من آن نقش را دوست داشتم.

بخشی از صحبت‌های این بازیگر در گفت‌وگو با ایرنا

مادام که زمان از آن توست، نگهش دار و افکارت را، نه روی اشتباهات گذشته، بلکه روی کمکی که اکنون می‌توانی انجام دهی، متمرکز کن.

خرمگس / اتل لیلیان وُی‌نیچ

نـــگاره

رضا بدرالسماء

سالروز شهادت شهید حسن طهرانی‌مقدم پدر موشکی ایران

ماجراهای خانم آقای او

میهمانی تم‌دار

طنز

ریحانه ابراهیم‌زادگان
شاعر و طنزپرداز

شب‌جمعه پسین، وعده داشتیم منزل اقوام دور؛ البسه مجلل مهیا کردیم جهت آبرو داری، هرچه نباشد قوم و خویشی که سنه تا سنه با آدم دیدار و اختلاط ندارد در این فقره علیحده‌تر است.

ای خوش‌خیال خجسته خانم آقای او! همشیره آقای او خبرمان کرد که «به رأی، البسه گزین نکن میهمانی تم‌دار است!»

دست به دامن گوگل شدیم که تم‌دار چه صیغه و چه قسم ضیافتی است، ملتفتمان شد البسه میهمان به فرمایش صاحب مجلس است، چه غلط‌ها! عهده‌دار البسه تنمان هم نیستیم. پی‌جوی تم ضیافت شدیم نیشخندمان زدند که: «چطور نمی‌دانی هالووین است؟!»

از همه‌جا بی‌خبر رفتیم تم هالووین اختیار کنیم به عمق فاجعه واقف شدیم. این قوم و خویش ما حکما خوشی از حد گذرانده یا با اجنه و از ما بهتران نشست و برخاست دارد یا مرضی به جلدش عارض شده، بالاجمال احوالاتش مساعد نیست. اراده کرده است اقوام گعده کنند دور هم به هیبت دیو و دد و جادوگر و تلخک و هر جانوری سوای آدمیزاد، خوش بگذرانند؛ حکما یا خوف کردن به مذاقشان خوش است یا اراده سنجش عیار جگر فک و فامیل دارد. القصه به هر دنگ و فنگی بود سر و وضعمان به قاعده‌ای ساختیم که خلاف البسه متداولمان باشد. دم رفتن، گفتیم سنگ تمام بگذاریم، از عیال همسایه آن‌وری، کراوات گل‌گلی شوهرش عاریه گرفتیم ببندیم بیخ گلوی آقای او کیفور شود. گوگل کردیم: «سیاق گره‌انداختن به کراوات»، به گمان اینکه فراگرفتیم و سهل و میسر است، مبادرت کردیم؛ حین گره زدن بغتتاً خرخری استماع کردیم. چشممان به رخساره آقای او افتاد، خوف کردیم. کانهو ابرقهرمان بدقواره کارتون‌های خارجکی آقای پسر، رنگش دگرگون شده به بنفش می‌زد. کم‌مانده بود قالب تهی کنیم. به تقلا و مرارت، کراوات خفت خرخره را منفصل کرده هر دو بی‌رمق همانجا جلوس کردیم. آب‌قند هم زدیم به خوردش دادیم نفسش جا آمد.

این چه چوسان‌فسانی است مردم راه انداختند؟ مرد بیچاره با آن هیبت و وجنات به سبب قرتی‌بازی یک مشت نوکیسه داشت تلف می‌شد. پا شدیم چهارتا تخم مرغ و سیب‌زمینی آب‌پز کردیم جهت شام، با ماسماسک وامانده‌مان زنگ زدیم به قوم و خویش از خدا بی‌خبرمان، یک مستمسکی جور کردیم گفتیم: «عذر تقصیر، از سعادت دیدار بی‌نصیب ماندیم.»... «سبک شدیم.»

آتش این سخریه-لودگی‌ها از گور پدر این ماسماسک وامانده بلند می‌شود، این خارجکی‌های عاطل ولاابالی هر غلطی می‌کنند مشق می‌کنیم از قافله تلخک و یالانچی عقب نمانیم... هفت قرآن میان، دستی دستی داشتیم شوهر نازنینمان را به عزرائیل تحویل می‌دادیم، خدا بخیر کرد...

سایه شوم هالووین که کم شود، حکما نوبه کریسمس می‌رسد و باید منزل به کاج و ستاره و درشکه و گوزن آذین کرده یک سوراخی پسله خانه تعبیه کنیم جهت تسهیل تردد بابا نوئل! خبرش هم رسیده همهمه هالووین اجنبی‌های نانجیب چشم‌بادامی بالا گرفته، مردم تلف شده‌اند، این میان چندتا دانشجوی بخت برگشته غریب مملکت‌مان قالب تهی کرده‌اند، غلط نکنیم اگر زیر دست و پا نمانده باشند حکما از شمایل قوس و قزح خوف کرده جان به جان آفرین تسلیم کردند. خدا از سر تقصیراتمان بگذرد.

دلتنگ سور و ولیمه‌های بی‌ریای خودمان شدیم. دلتنگ نوروز و شب چله‌های نازنین خودمان. نه ادا اصولی دارد نه دلقک بازی. مردم را عنتر و منتر خودمان نمی‌کردیم. هرکس یه تغار زیر بغل می‌زد، بچه بقچه ملازم می‌کرد به جهت لذت مجالست و گپ و گفت و اختلاط. نوروز را به شیرینی و تخم‌مرغ رنگی، سبزی‌پلو و لباس نونوار و دیده‌بوسی می‌گذراندیم و شب چله کز می‌کردیم زیر کرسی، خانجون قصه می‌گفت انار دانه می‌کرد گلپر می‌زدیم می‌خوردیم روحمان تازه می‌شد. بماند که همین قوم غرب‌زده خودباخته، از نوروز و شب چله هم مصیبت می‌سازند یک ملتی به تصدیع می‌اندازند. مردم بیکار شدند اگرنه آدم تا بیاید پشت و پسله‌های خانه را بیرون بکشد از نو نظم و نسق بدهد، شیرینی عیدش را بپزد، فرش خانه را رفت و روب کند، پهن کند سر دیوار، بلورهای جهازش را برق بیندازد، درو دیوار را بسابد، جانی برایش نمی‌ماند جهت تزاحم امور غیرضرور.

القصه برای این جماعت، هالووین و کریسمس و نوروز و شب چله ندارد، به قصد خون به جگر کردن امثال ما که از عقل و شعور و درایت کم نداریم، از هیچ مستمسکی دریغ نمی‌کنند؛ لکن به جهت هوش و ذکاوتمان به وقت هوشیار شدیم زیر کاسه کوزه‌شان، دلمان خنک شد.

از حق نگذریم هالووینمان هم همان رخسار بنفش خوفناک آقای او و هول‌ولای گره کور کراوات خفت گلویش بود.

به‌بهانه ۲۱ آبان‌ماه، زادروز نیما یوشیج

«آسانِ مشکل» یا «مشکلِ آسان»؟

فرهنگستان

علی یاری
پژوهشگر ادبی

نیما درباره کَیفیت و چگونگی شعر مطلوبِ خود کم ننوشته است. یکی از مواردی که او در نظریه خود بر آن انگشت گذاشته، کیفیت سروده‌شدن شعر و روند گشودگی معنای آن برای مخاطب است. او به آثار شاعران تراز اول مانند نظامی و حافظ، گاه به چشم اعجاب نگریسته یا بخش‌هایی از سروده‌های شاعرانی همچون فردوسی را پسندیده است؛ اما شاید تنها سبک شعری مقبول نیما، سبک هندی است. گفته حد کاملِ شعر گذشته ما سبک هندی است و علت اینکه شعر این سبک پسند عام نیافته، این است که خوانندگان «تنبل و خوش‌نشین» شده‌اند و نمی‌توانند از نازک‌خیالی‌های شعر این سبک رمزگشایی کنند و لذت آنی ببرند، در نتیجه آن را پس زده‌اند. لقمه جویده و آماده می‌خواهند. قوای دِماغی آنها نمی‌تواند «شعرهای دقیق» را هضم کند. «می‌گویند شعر باید فوراً فهمیده شود» (حرف‌های همسایه: ۱۱۶-۱۱۷).

نیما از قول معاشر و همسایه فرضی خودش نوشته که گفته است: «شعر نباید شنونده را در فهمیدن معنی آن معطل کند» (حرف‌های همسایه: ۱۱۲). نیما این سخن را قدیمی و کهنه دانسته است. آن را با سخن بوالو (شاعر و نظریه‌پرداز نامدار فرانسوی سده هفدهم میلادی و از مدافعان کلاسیسیسم اروپایی) در کتاب فن شعر برابر می‌گذارد که گفته است: «آسان، مشکل». یعنی شعری که معنای آن به‌آسانی فهمیده شود؛ اما ساختن این شعر به‌ظاهر آسان، مشکل باشد (حرف‌های همسایه: ۱۱۲). نیما با تکیه بر نظریه بوالو می‌گوید سراسر اشعار بدوی تاریخ ادبیات جهان به همین شکل، یعنی آسان ساخته شده‌اند و معنی و تصویر پیچیده‌ای ندارند. با چنین دیدگاهی است که معمولاً نیما التفات کمتری به فردوسی دارد یا سعدی را به‌کلی نمی‌پذیرد. نیما در برابر نظریه بوالو، راه سمبولیست‌ها را در پیش می‌گیرد که معانی پیچیده و مبهم را عیب شعر نمی‌دانستند، از این‌رو، نظریه خودش را در برابر نظریه بوالو می‌گذارد و می‌گوید: «مشکل، آسان»، یعنی شعری که به‌آسانی گفته شود؛ اما دریافت معنای آن به‌آسانی میسر نشود. شعر سبک هندی درنظر او، تاحدودی به این «اِشکال» در معنارسانی رسیده است (حرف‌های همسایه: ۱۱۲).

نظریه نیما یادآور سخن والاس استیونس (۱۸۷۹-۱۹۵۵) شاعر امریکایی است. استیونس که تقریباً مقارن نیما بوده، گفته: «شعر باید دربرابر عقل مقاومت کند» (بوطیقای ساخت‌گرا: ۲۴۹). به نظر او وجه تمایز شعر از ناشعر همین مقاومت است، یعنی به‌گونه‌ای باشد که مناسبت‌های معنایی اجزای آن آنی کشف نشود (همان‌جا). نیما هم شعری را می‌پسندد که خواننده در روند کشف معنا با تأخیر روبه‌رو شود. درواقع روساختی ساده و زیرساختی پیچیده و چندلایه داشته باشد.

به‌نظر او شعر خوب، شعری است عمیق و ابهام‌انگیز. این ابهام باید در ساختار شعر پراکنده شده باشد. ازنظر او زندگی اساساً با ابهام درهم‌تنیده است. ابهام مانند مه در جنگلِ زندگی پخش شده است (حرف‌های همسایه: ۲۰۱). پس شعری هم که می‌خواهد با زندگی نسبتی برقرار کند، باید از ابهام و عمق بهره داشته باشد. آن‌چه به شعر عمق می‌بخشد، سمبول (سمبل) است. سمبول‌ها دامنه معنایی شعر را گسترش می‌دهند. شعر را باشکوه می‌کنند (همان: ۱۷۶).

نیما می‌گوید هرچیز عمیقی ابهام دارد. هنرمند باید به کنه اشیا برود که آکنده از ابهام است. ابهام، میدان معنایی اثر را گسترش می‌دهد؛ زیرا «انسان نسبت به آثار هنری یا اشعاری بیش‌تر علاقه‌مندی نشان می‌دهد که جهاتی از آن تاریک و قابل تأویل‌های متفاوت باشد» (همان: ۱۹۹).

با چنین دیدگاهی نیما می‌گوید شعر باید «مشکل و آسان» باشد. ساختی آسان‌نما داشته باشد؛ اما معنای آن به‌سادگی برآفتاب نیفتد. درک گرایش او به نمادگرایی در شعرهای نیمه دوم کارنامه شاعری‌اش از این چشم‌انداز آسان‌تر است. بی‌گمان آگاهی او نظریه‌های ادبی و فلسفی غربی در گرایش به سمبولیسم حرف اول را می‌زند. اینکه فروبستگی زمانه هم او را به این راه رهنمون شد، جای انکار ندارد.

نگذاریم که کافه کتاب آفتاب تعطیل شود

یادداشت

محمد کاظم کاظمی
شاعر معاصر

خاطراتم را مرور می‌کنم: نشسته‌ام که یکی از دوستان تماس می‌گیرد.

_ مشهد آمده‌ام. می‌خواستیم از نزدیک همدیگر را ببینیم؟

_ کجا؟

_ کافه کتاب آفتاب.

یکی از دوستان می‌خواهد غزلی از بیدل را با هم شرح کنیم. کجا؟ کافه کتاب.

استاد کلاهی اهری مجموعه شعر منتشر کرده است. جلسه رونمایی برای کتابشان گرفته‌اند. کجا؟ کافه کتاب آفتاب.

گروهی از دوستان از افغانستان آمده‌اند. می‌خواهند درباره مسائل فرهنگی صحبت کنیم. کافه کتاب آفتاب قرار می‌گذاریم چون به این وسیله با فضای کتاب در مشهد هم آشنا می‌شوند. یک تیر به دو نشان است و بلکه هزار نشان، که هر کتاب نشانی است.

دایی گرامی‌ام از آلمان آمده است. اهل فضل و ادب است. با ایشان در کافه کتاب آفتاب قرار می‌گذاریم چون می‌دانم که آنجا دو چیز دیگر هم هست علاوه بر دیدار. یکی کتاب، دیگری آشنایی با جناب عابس قدسی. و دایی‌ام عکس‌های گردهمایی‌های کافه کتاب را می‌بیند. آرزو دارد که باری در این جلسات هم شرکت کند و امیدوار است که سفر بعدی‌اش با یکی از این جلسات برخورد داشته باشد. شب‌های عاشوراست و من یک عزاداری به شیوه دلخواه خودم دوست دارم. اینکه با وقایع آشنا شویم و شناخت و آگاهی‌مان از واقعه کربلا بیشتر شود. جلسات متن‌خوانی درباره عاشورا برقرار است. کجا؟ کافه کتاب. و به این ترتیب کافه کتاب آفتاب نه فقط کافه است، نه فقط کتاب‌فروشی، بلکه پاتوق اهالی ادب و هنر و دانش است. تو می‌توانی حتی کاملاً اتفاقی آنجا بروی و شماری از آشنایانی را ببینی که می‌توانند حالت را خوش بسازند و به آگاهی تو بیفزایند. صفحه اینستاگرام را باز می‌کنم. آقای عباس قدسی از تعطیلی عنقریب کافه خبر داده است، خبری که باورناپذیر می‌نماید. مگر می‌شود همه این خاطرات، همه این رخدادها و همه این دیدارها را نادیده گرفت و روی همه یک ضربدر درشت کشید؟ این بخشی از هویت فرهنگی شهر است. شهر مشهد شهری است با جلوه‌ها و مجموعه‌های مختلف که در کنار هم این تصویر جامع از این شهر را می‌سازند. این تصویر را نباید ناقص کرد. خالیگاهی را که ایجاد می‌شود با چه پر می‌کنیم؟ شاید بگوییم خالیگاه را با مصالحی «مطلوب» پر می‌کنیم. ولی دیده‌ایم و بارها تجربه شده است که هیچ چیز و هیچ کس جای یکی دیگر را نمی‌گیرد، که آدم‌ها متلون و متنوع‌اند و زیبایی و کمال زندگی نیز در همین تنوع و تلون است. نگذارید که کافه کتاب آفتاب تعطیل شود. همه زیان خواهند دید، حتی کسی که به ظاهر تصور می‌کند سود کرده است.

نوجوان و وقت گذرانی با والدین

یک فنجان حرف

شهرزاد عبدیه
روانشناس

آیا فرزند نوجوانی دارید که علاقه‌ای ندارد با شما وقت بگذراند و هربار که به بهانه‌ای به اتاقش می‌روید تا سر صحبت را باز کنید، بی‌نتیجه است؟ آیا گاهی احساس می‌کنید؛ بین شما و فرزندتان یک دنیا فاصله وجود دارد؟ آیا مدام خودتان را سرزنش می‌کنید که چرا نمی‌توانید به دنیای نوجوانتان راه پیدا کرده و درکش کنید؟

اگر جوابتان به این پرسش‌ها مثبت است؛ باید بدانید شما تنها نیستید و والدین زیادی روی کره زمین هر روز احساساتی مشابه شما را تجربه می‌کنند. اما مهم است که بدانید چطور با این چالش در مسیر فرزندپروری روبه‌رو شده و چه راهکاری را انتخاب می‌کنید.

■ سرحال و مشتاق باشید

یک لحظه خودتان را به جای نوجوانتان بگذارید و به این سؤال جواب بدهید، آیا اگر احساس کنید فردی از مصاحبت با شما لذت نمی‌برد، تمایلی به وقت گذراندن با او خواهید داشت؟ بعید است پاسخ‌تان مثبت باشد.

آیا شما در زمان وقت مشترک با فرزند نوجوان‌تان، سرحال و پرنشاط و مشتاق هستید یا برعکس خسته، بی‌حوصله و بی‌انگیزه‌اید؟ آیا تا به حال پیش آمده که در وقت مشترکتان جسمتان در کنار فرزندتان حضور داشته باشد اما ذهنتان درگیر ده‌ها مشکل و دغدغه کاری و خانوادگی؟ نوجوان‌ها و حتی کودکان همه این موارد را به خوبی درک می‌کنند و طبیعی است که اگر احساس کنند شما از گذراندن وقت مشترک با آنها لذت نمی‌برید، آنها هم تمایلی از خود نشان نمی‌دهند و ترجیح خواهند داد، زمان خودشان را به شیوه لذت بخش‌تری پر کنند.

■ فعالیت مشترک را درست انتخاب کنید

وقت مشترک با فرزند نوجوانتان را به چه فعالیتی اختصاص می‌دهید؟ والدی را تصور کنید که عاشق گلکاری است و تلاش می‌کند در وقت مشترک، به نوجوانش انواع گیاهان و شیوه قلمه زنی و تکثیر آنها را آموزش بدهد اما نوجوان اصلاً علاقه‌ای به گلکاری ندارد و به نظرش این کار کسالت بار است. دور از ذهن نیست که تلاش این والد برای داشتن وقت مشترک مؤثر و مفید خیلی زود به سنگ خواهد خورد و فرزندش علاقه‌ای به ادامه داشتن وقت مشترک با وی نخواهد داشت. بنابراین همیشه فعالیتی را انتخاب کنید که مورد علاقه هر دو شما و بویژه فرزندتان باشد.

■ سرزنش و مقایسه ممنوع

اگر می‌خواهید به معنای واقعی کلمه، وقت مشترک با نوجوانتان داشته باشید، اصلاً و هرگز در وقت مشترک، فرزندتان را با دیگران مقایسه نکنید و از تحقیر و سرزنش کردن او بپرهیزید. پند و نصیحت را کنار بگذارید. در یک کلام این زمان را فقط به لذت بردن مشترک با فرزندتان اختصاص دهید و هر چیزی که کام شما دو نفر را تلخ می‌کند، کنار بگذارید.

■ زنگ خطرها را بشناسید

اگر موارد بالا را چک کردید و ریشه بی‌علاقگی نوجوانتان را در آنها پیدا نکردید، نوبت به بررسی برخی دیگر از عوامل زمینه ساز جدی و مهم می‌رسد. طلاق والدین، بیماری پدر یا مادر (بویژه اگر به تازگی اتفاق افتاده باشد)، جا به جایی مدرسه و از دست دادن دوستان از جمله این عوامل هستند که می‌توانند علت بی‌حوصلگی استرس و اضطراب یا کاهش خلق فرزندتان باشند و در نتیجه او حال و حوصله‌ای برای داشتن وقت مشترک با شما را نخواهد داشت.

■ احتمال افسرده خویی را بررسی کنید

آیا حدود یک سال گذشته فرزند نوجوانتان با احساس ناامیدی و کاهش انرژی و خستگی دست و پنجه نرم می‌کند؟ آیا پر خواب‌تر یا کم خواب‌تر شده؟ تغییر محسوسی در اشتهایش به وجود آمده؟ تمرکز و قدرت تصمیم گیریش کاهش پیدا کرده؟ اگر پاسختان به این پرسش‌ها مثبت است و احساس می‌کنید نوجوانتان مدتهاست که دل و دماغ درست و حسابی ندارد؛ حتماً با یک روانشناس در حوزه کودک و نوجوان مشورت کنید. با این حال حواستان باشد که فقط با مشاهده موارد بالا، نمی‌شود برچسب افسردگی به کسی زد و برای تشخیص درست یک اختلال یا بیماری نیاز به بررسی دقیق‌تر یک متخصص هست. اگر هم بعد از مراجعه به روانشناس متوجه وجود افسردگی در فرزندتان شدید، مضطرب نشوید چون این مشکل هم مثل هر بیماری دیگری درمان دارد.

هنرمندان در فضای مجازی

این روزها نمایش «جهان بانو» در حوزه نمایش‌های میدانی نظر مثبت منتقدان و مخاطبان تئاتر را به خود جلب کرده است. اثری که در آن هم با تاریخ روبه‌رو هستیم و درس‌هایش و هم با اثری نمایشی که در حوزه خود به گفته منتقدان، همه‌چیز تمام است.

■ کودکانه

عادل بزدوده که این روزها نمایش «حادثه‌ای در شهر عروسک‌ها» را برای اجرا در جشنواره نمایش عروسکی تهران مبارک آماده می‌کند، می‌گوید: وقتی به بچه‌ها خدمت می‌کنم، حالم خوب است. این کارگردان تئاتر که بیشتر تجربیات خود را در تئاتر عروسکی به انجام رسانده است، درباره تازه‌ترین فعالیت‌های خود به ایسنا می‌گوید: نمایش «حادثه‌ای در شهر عروسک‌ها» را برای شرکت در جشنواره نمایش عروسکی آماده می‌کنیم. من و اعضای گروه فارغ از هر نگاهی، برای حفظ روحیه کودکان، ارزش والایی قائل هستیم و وظیفه خود می‌دانیم این دنیایی را که به انواع پلیدی‌ها آلوده شده، برای بچه‌ها تلطیف کنیم. او یادآوری می‌کند: چندی پیش به مناسبت پنجاهمین سال فعالیت کانون، نمایش «حادثه‌ای در شهر عروسک‌ها» را که اوایل دهه ۵۰ به عنوان اولین تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اجرا شد، روی صحنه آوردم و حالا همین نمایش را برای شرکت در جشنواره نمایش عروسکی تمرین می‌کنم. این کارگردان و طراح عروسک با تأکید بر اینکه کار کردن برای بچه‌ها در هر شرایطی، نعمتی است بزرگ، اضافه می‌کند: با اینکه در دوره سختی به سر می‌بریم ولی وقتی برای بچه‌ها کار می‌کنم، حالم خوب است و فکر می‌کنم نباید فرصت کار برای بچه‌ها را به سادگی از دست داد. همین که بتوانیم حال خوشی به آنان بدهیم و لبخندی بر لب‌شان بنشانیم، غنیمت است. او نمایش «حادثه‌ای در شهر عروسک‌ها» را سرآغاز هنر عروسکی در ایران می‌داند و می‌افزاید: با این نمایش، هنر عروسکی به ایرانیان معرفی شد. در واقع این نمایش پدربزرگ و مادربزرگ همه نمایش‌ها و فیلم‌هایی است که شخصیت‌های محوری آنها عروسک است.

■ سینما فوتبال

کمتر از ۱۰ روز تا شروع جام جهانی فوتبال باقی مانده و پخش مسابقات تیم ملی ایران در سینماها با اما و اگرها و تردیدهایی در فضای رسانه‌ای همراه شده، این در حالی است که آخرین پیگیری‌ها، بر تصمیم به پخش مسابقات با بلیتی بالاتر از قیمت معمول سینماها دلالت دارد. آنچه پیش‌تر در این باره اقدام شده، به اداره کل نظارت بر عرضه و نمایش سازمان سینمایی برمی‌گردد که در نامه‌ای به مدیران کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها دستورالعملی را برای پخش مسابقات جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ قطر در سینماهای کشور تنظیم و ارسال کرده بود. در این نامه قید شده بود که «پخش مسابقات با استفاده از آنتن صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران باید انجام گیرد و استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای ممنوع است.» حالا جهانگیر کوثری که علاوه بر تهیه‌کنندگی سینما در فوتبال هم سررشته دارد، به ایسنا می‌گوید: حق پخش مسابقات از طریق اتحادیه تلویزیون‌های آسیا و اقیانوسیه (EBU) خریداری می‌شود و طبق قوانین خریداری پخش مسابقات، باید مسئول نمایش آنها در سینما هم مشخص باشد تا اگر اعتراضی شد و خسارتی وارد آمد معلوم باشد مسئولیت با چه کسی است. البته پخش فوتبال در میدان‌های بزرگ شهری هم معمولاً با هماهنگی تلویزیون و شهرداری انجام می‌شود و در حال حاضر خوب است که با توجه به بد بودن شرایط سینماها چنین کاری در سالن‌ها انجام شود. با این رصد خبرهای مربوط به این موضوع نشان می‌دهد که پخش بازی‌های تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی در سینما همچنان برقرار است و مجوزهای آن گرفته شده و قرار است فردا نتیجه نهایی مشخص و اعلام شود.

■ جهان نمایش

«جهان بانو» به کارگردانی حسن بزرا و تهیه‌کنندگی علی اسماعیلی تازه‌ترین نمایش میدانی سازمان اوج است که تا ۲۵ آبان هر روز ساعت ۱۸ در بوستان ولایت پذیرای علاقه مندان است. این اثر که مورد استقبال بسیاری قرار گرفته نظر معاون پارلمانی رئیس‌جمهور را هم به خود جلب کرده است. سیدمحمد حسینی که به تماشای این نمایش نشسته بود بعد از پایان آن به خبرنگار ایرنا گفت: ای کاش همه بانوان، دختران و خواهران ما می‌توانستند نمایش «جهان بانو» را ببینند و این نمایش در شهرهای مختلف کشور اجرا می‌شد و همه مردم با مضمون و جذابیت آن آشنا می‌شدند. این اثری است که مخاطب در حین اجرا، یک لحظه نمی‌تواند از تماشای آن غافل شود، زیرا از صحنه‌های ارزشمند و شگفت‌انگیز پر است. این نمایش تاریخ را به تصویر می‌کشد و هم آیات و مضامین قرآنی را در قالب هنری جلوه‌ای دیگر داده است. سرعت عمل در اجرا، استفاده مطلوب از نور، رنگ و تصویر به همراه نوای آهنگین، محتوای جذاب و قالب زیبا همه و همه قابل تحسین است. به نظرم هرکس این نمایش را ببیند قطعاً تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

عکس نوشت

حسن روح‌الامین هنرمند نقاش از تازه‌ترین اثرش رونمایی کرد. او در توضیح این اثر نوشته است: «تقدیم به پیشگاه مبارک حضرت احمد بن موسی الکاظم علیه‌السلام؛ چراکه شما خاندان کرم و مهربانی هستید و این حادثه غمبار اول قلب نازنین شما را متألم و داغدار کرد که میهمانان و زائرین شما بودند آقاجان. ضمن عرض تسلیت خدمت شما و ملت شریف ایران، این تابلوی نقاشی که در روز نوزدهم آبان‌ماه به تصویر کشیده شده را پیشکش آستان مبارکتان می‌کنیم امید است که مقبول افتد.» تابلوی نقاشی، تکنیک: اکرلیک روی بوم، ابعاد ۱۰۰*۱۲۰ سانتی‌متر / ایران